

آسیب‌شناسی رشد اخلاقی در زیست اجتماعی اسلامی از منظر قرآنی

فرشته ابوالحسنی نیارکی*

چکیده

مقاله حاضر با روش درون‌دینی، به آسیب‌شناسی موانع رشد اخلاقی جامعه در زندگی اجتماعی اسلامی می‌پردازد که با ترسیم هندسه اخلاق اجتماعی در قرآن، شامل بر اخلاق بین‌شخصی و جامعه‌نگر است. آسیب‌شناسی رشد اخلاق اجتماعی، به معنای رصد عوامل، موانع، زمینه‌هایی است که رشد اخلاقی در جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تحلیل آسیب‌ها در این مقاله، نمایانگر همه‌سوگیری و نگاه جامع سبک زندگی قرآنی، به عوامل و موانع رشد اخلاق اجتماعی است که علاوه بر تأکید بر عقل‌گرایی و خردورزی، به مسائل هیجانی-عاطفی و نیز تأثیر محیط در میزان اخلاق‌گرایی جامعه می‌پردازد. در مقام آسیب‌شناسی، به آسیب‌های سطح کلان و آسیب‌های سطح خرد پرداخته‌ایم. در سطح کلان، بی‌توجهی به رویکرد جامعه‌نگر، تعصبات قومی و عادت‌واره‌ها، روش آموزش اخلاق، فرار از قانون، عدم نظارت همگانی، جزئی‌نگری و سخت‌یابی اصول اخلاقی و بی‌توجهی به اصول ثابت و همه‌جائی، روحیه دشمنی، اختلاف و عدم اتحاد در جامعه و ... رصد شده است. آسیب‌های سطح خرد، به آسیب‌های درونی (نظیر عدم تعقل، جهل، شعار پاک‌دل، دین‌داری نادرست، خودخواهی، دنیاگرایی، ظاهرپرستی و ...) و آسیب‌های محیطی (تأثیر جامعه و فرهنگ، خانواده، محیط دوستان و...) قابل تحلیل است.

واژگان کلیدی: اخلاق اجتماعی، رشد اخلاقی، آسیب‌شناسی، زندگی اجتماعی، قرآن.

* استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.

بیان مسئله

غایت رسالت نبی اکرم ﷺ، رشد اخلاقی است^۱ (مجلسی ۱۴۰۳، ۶۸، ۳۸۲) و چنین رشدی تنها به استكمال فردی منحصر نمی‌گردد، بلکه رشد اخلاقی جامعه را نیز شامل است: «هیچ شکی نیست در اینکه اسلام تنها دینی است که بنیان خود را بر اجتماع نهاده و این معنا را به صراحت اعلام کرده و در هیچ شأنی از شئون بشری مسئله اجتماع را مهمل نگذاشته است» (طباطبایی ۱۳۷۴، ۴، ۱۴۸). دین اسلام به زیست اجتماعی و سعادت جمعی توجه ویژه‌ای داشته است (همان) تا آنجاکه برخی از اندیشمندان نظیر علامه طباطبایی، اساساً حقیقت دین اسلام را، بهبود وضعیت سبک زندگی جمعی می‌دانند و بر اولویت رشد اخلاق جمعی، بر استكمال فردی حکم کرده‌اند.^۲ (همان، ۳، ۳۹۱) در حالی که مطالعات درون‌دینی و تحلیلی اندیشمندان اسلامی، بیشتر بر محور استكمال فردی است و جامعه اخلاقی و سبک زندگی اجتماعی کمتر مورد توجه است. البته اندیشمندانی چون فارابی (در فصول متزعه، آراء اهل المدینه الفاضله، السیاسه المدینه و...)، خواجه نصیرالدین طوسی (در اخلاق ناصری) در سنت فلسفی به وضعیت اخلاق جمعی پرداخته‌اند. در مطالعات درون‌دینی نیز، بیشتر به تحقیق در بررسی ابعاد و مصادیق اخلاق اجتماعی در قرآن پرداخته شده است.^۳ رشد اخلاقی جامعه، موضوعی مرکب است که هر یک از مسائل، نیازمند پژوهش مستقل است، از جمله: (۱) امکان تغییرپذیری و تعالی اخلاق جمعی [آیا تغییر رفتارهای گروه‌های اجتماعی و خصلت‌های جمعی ممکن است؟]؛^۲ سطوح و ابعاد توسعه اخلاقی و استقصای مصادیق مختلف؛^۳ سنجه و شاخصه‌های رشد اخلاق؛^۴ ارزیابی تجربی وضعیت اخلاقی جامعه؛^۵ آسیب‌شناسی علی و بررسی عوامل شکاف بین وضعیت کنونی و وضعیت مطلوب و یا آرمانی؛^۶ ترسیم فرآیند دستیابی به رشد اخلاق اجتماعی و راهکارها و ...

در این مقاله از میان مسائل مختلف، آسیب‌شناسی انتخاب شده است. آسیب‌شناسی به محقق کمک می‌کند که با شناخت عوامل، موانع و زمینه‌هایی که در رشد اخلاق اجتماعی مؤثر است، در جهت تبدیل نقاط ضعف به قوت و تبدیل تهدیدها به فرصت

۱. إِيْمَا يُعْبَثُ لِأَنْتُمْ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ

۲. حقیقت دین، تعدیل مجتمع بشری در سیر زندگی است که البته تعدیل حیات فردی را نیز به دنبال دارد که در نتیجه پیروی از آن آدمی به منزلت واقعی خود که فطرت و خلقت خاص خودش به او داده می‌رسد.

۳. به‌عنوان مثال: دوست فرخانی، حسن، هادی اسماعیل زاده و مجید اسماعیل زاده. ۱۳۹۱، اخلاق اجتماعی از منظر قرآن و عترت در دو سطح جامعه‌شناسی خرد و کلان اسلامی، همایش منطقه‌ای اخلاق اجتماعی از منظر قرآن و عترت، دانشگاه آزاد اسلامی تفت؛ ملازاده سورکی، فاطمه. ۱۳۹۱، فضایل و ردائیل اخلاق اجتماعی در قرآن و عترت، همایش منطقه‌ای اخلاق اجتماعی از منظر قرآن و عترت، دانشگاه آزاد اسلامی تفت؛ حسنی علایی، مریم، محمدمهدی گرجیان. ۱۳۹۰، اسلام، اخلاق و انضباط اجتماعی، طلوع نور، ۱۰ (۳۷): علی‌اکبریان، مجتبی. ۱۳۹۲، بررسی اهمیت حقاناس در آیات قرآن، حسنا، ۵ (۱۹): جانیپور، محمد، سید مهدی لطفی. ۱۳۹۴، نقش قرآن کریم در تدوین نظام هدایت فردی و اجتماعی، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهراء، ۱۲ (۲۶): حسینی، زهرا، مهشید ایزدی، نجمه و کیلی و فهیمه اناریان. ۱۳۹۷، بررسی بعد اجتماعی مسئولیت‌پذیری از منظر قرآن و حدیث، مطالعات قرآنی، ۹ (۳۴) و ...

برآییم. آسیب‌شناسی می‌تواند پاسخی بر این پرسش باشد که «علل و عوامل شکاف بین وضعیت کنونی رشد اخلاق اجتماعی و وضعیت مطلوب یا آرمانی آن چیست؟!». برخی از این زمینه‌ها، در رشد اخلاقی تأثیر مثبت دارد و برخی مانعی برای آن است. آسیب‌شناسی می‌تواند با انواع روش‌ها صورت گیرد، ما در این مقاله با رویکرد درون‌دینی و تحلیل فلسفی داده‌های قرآنی به این امر می‌پردازیم. تحلیل‌های فلسفی و درون‌دینی اگر با واقعیت و مقام تحقق و متن جامعه سنجیده نشود، با جامعه قطع ارتباط کرده و در نتیجه، بی‌حاصل و بی‌ثمر است. تأکید بر روش‌های میدانی، تجربی و آماری جامعه‌شناختی، مانعی برای پژوهش فلسفی یا درون‌دینی نیست، بلکه چنین پژوهش‌هایی می‌تواند به‌عنوان پایه، اساس و زمینه تحلیلی-فکری پژوهش‌های تجربی قرار گیرد. در مقام آسیب‌شناسی، هم به آسیب‌های سطح کلان و جامعه‌نگر و هم به آسیب‌های سطح فردی و خرد پرداخته‌ایم. آسیب‌های سطح فردی نیز به آسیب‌های درونی و محیطی قابل تحلیل است. ادبیات درون‌کشوری در زمینه آسیب‌شناسی رشد اخلاق جمعی در زیست اجتماعی، به‌ویژه با رویکردی درون‌دینی ضعیف است و تنها در برخی مقالات و همایش‌ها به بعد فردگرایانه آن پرداخته شده است^۱ و همچنان به پژوهش‌های بیشتر فلسفی، درون‌دینی، جامعه‌شناختی، روان‌شناسی فرهنگ و ... نیازمندیم.

۱) آسیب‌های سطح کلان

الف) عدم جامع‌نگری و توجه به اخلاق جامعه‌نگر

اخلاق اجتماعی را می‌توان در ۱) ساحت اخلاق فردگرایانه (فردی) و ۲) اخلاق جامعه‌نگر (اخلاق جامعه و جمعی) نگرست. عدم توجه به اخلاق جامعه‌نگر، علاوه بر الگوهای بیناشخصی اخلاق، از مهم‌ترین آسیب‌های رشد اخلاقی در زیست جمعی است. برخی از اندیشمندان مسلمان نظیر علامه طباطبایی (همان، ۴، ۱۵۱-۱۸۸) و مطهری (مطهری ۱۳۷۲، ۲۸-۳۲) با استناد به برخی از آیات قرآن، نوع نگاه جامعه‌نگر قرآنی را اثبات کرده‌اند: قرآن برای امت‌ها سرنوشت مشترک، نامه عمل مشترک، فهم و شعور، عمل، طاعت و عصیان قائل است. بدیهی است که (جامعه) اگر وجود عینی نداشته باشد، سرنوشت، فهم و شعور و ... معنا ندارد (همان، ۲۸).

۱. از جمله: حسین زاده، اکرم. ۱۳۸۶، آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی، کتاب نقد، (۴۲): ۱۱۳-۱۲۸؛ شریف‌زاده، حکیمه السادات، فرشته باعزت و رقیه ظاهر. ۱۳۹۵، آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی در نظام تعلیم و تربیت اسلامی، همایش آموزه‌های اسلامی، انسان معاصر و نظام خانواده، ساری، موسسه پیامبر اعظم؛ زادگی میرزایی، مرتضی. ۱۳۹۵، آسیب‌شناسی رشد و شخصیت و ارتباط آن با تربیت اخلاقی، دومین همایش ملی آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی در نظام آموزشی ایران، میبد، دانشگاه آزاد اسلامی میبد؛ گل محمدی، شهین، سید عباس خیراللهی رکن‌آبادی. ۱۳۹۵، آسیب‌شناسی بحران‌های اخلاقی، اجتماعی جامعه امروز، دومین همایش ملی آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی در نظام آموزشی ایران، همان؛ باغبان، ابوالفضل، سهیلا باغبان و منصور دهقان منش. ۱۳۹۵، تأثیر رشد و شخصیت در کاهش آسیب‌های تربیت اخلاقی، همان و ...

مطهری به آیات ۳۴ سوره اعراف^۱، ۲۸ جاثیه^۲، ۱۰۸ انعام^۳، ۵ غافر^۴ و استناد کرده است. اشاره به حسادت اهل کتاب بر مسلمانان، به عنوان یک خلق جمعی (انعام/۱۰۹)^۵، توصیه جامعه به اطاعات از فرمان خدا، صبر و پایداری و نهی از تنازع و اختلاف در جامعه (انفال/۴۶) از نمونه‌های توجه به اخلاق جامعه‌نگر است.

اخلاق اجتماعی، علاوه بر کیفیت روابط بین شخصی افراد، در مقیاس و سطح جامعه به معنای یک کل سازمان‌یافته مطرح است که دارای نوعی جهان‌بینی جمعی، فرهنگ جمعی، آرمان، اهداف و اصول اخلاقی و خلق اجتماعی است. جامعه‌نگری، متمایز از تأکید بر جامعه‌گرایی در سبک زندگی قرآنی است. جامعه‌گرایی، بیان ارزش زندگی جمعی در کسب کمالات فردی و مدنی است که در قرآن نیز تأکید شده است (حدید/۲۷؛ آل عمران/۱۰۳)^۶، اما جامعه‌نگری، نوعی نگاه سیستمی و توجه به خلیقات جمعی است. صرف‌نظر از بحث‌های پیچیده فلسفه جامعه نظیر مباحث «ترکیب حقیقی یا اعتباری بودن جامعه» (مطهری ۱۳۷۲، ۲۳-۲۸) و یا مباحث فلسفی- جامعه‌شناختی نظیر اصالت فرد یا جامعه (دورکیم ۱۳۵۵)، حیثیت مجموعی‌ای ولو به صورت اعتباری، علاوه بر تک‌تک افراد برای جامعه، قابل تصور است. این حیثیت مجموعی، می‌تواند دارای خصوصیات باشد و در محیط درونی و بیرونی خود مؤثر افتد. این توجه به اخلاق جمعی، زمانی اهمیت می‌یابد که تأکید اندیشمندان در تمایز رفتار اخلاقی افراد از رفتار اخلاقی گروه‌های اجتماعی، ملی، نژادی و اقتصادی را بدانیم که معتقدند اخلاقی کردن گروه‌های اجتماعی در مقایسه با انسان‌های منفرد، مشکل‌تر است و دارای اصول و شرایط و برنامه‌های متفاوت و خاص به خود است (نیبور، ۱۳۸۹، ۱۵).

ب) فضایل و رذایل از منظر قرآنی

عدم شناخت از ارزش‌ها می‌تواند یکی از آسیب‌های مهم، در افول اخلاق جمعی باشد، براین اساس ارائه لیست کامل از فضایل و رذایل اخلاق اجتماعی از منظر قرآنی ضرورت دارد. جدول ارزش‌ها در سنت فلسفی غالباً بر معیار فلسفه افلاطونی-ارسطویی است (نظیر: ابن‌مسکویه ۱۳۸۱، ۶۷؛ طوسی ۱۳۸۷، ۱۱۹ به بعد). متأسفانه در ادبیات علمی کشور، فضایل

۱. وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ

۲. وَتَرَى كُلَّ أُمَّةٍ جَائِئَةٍ كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَى إِلَى كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ

۳. وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

۴. كَذَبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ مِنْ بَعْدِهِمْ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَجَادَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ

۵. وَذَكَرْنَا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَأَعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

۶. وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ

و رذایل فلسفی شناخته‌شده‌تر است. آثار قرآنی، برخوردار از لیست ارزشمندی از فضایل و رذایل قرآنی است اما آن‌ها نیز، به بیان فضایل و رذایل در سطح اخلاق عامه مردم بسنده کرده‌اند و این موارد را به نحو کاربردی و موقعیت‌های گوناگون طرح نکرده‌اند (نظیر طوسی ۱۳۷۷؛ مکارم شیرازی ۱۳۸۹). در ساحت فردگرایانه، روابط فرد با الف) خود (اخلاق درون‌شخصی)؛ ب) دیگران انسانی (اخلاق بین‌شخصی)؛ ج) با خدا (اخلاق بندگی) و د) محیط زیست مطرح است (فرامز قراملکی ۱۳۸۸، ۶۰). روابط بین‌شخصی افراد در جامعه، در حیطه اخلاق اجتماعی قرار می‌گیرد. آیاتی در قرآن در باب روابط بین‌شخصی افراد است که شامل ۱) روابط افراد عادی اجتماع (خانواده، شهروندان، دوستان و آشنایان)؛ ۲) صاحبان مشاغل و حرفه‌ها و ۳) روابط حکمرانان (اخلاق سیاستمداران) می‌گردد. جدول شماره (یک) گزارشی از آیات رصدشده در اخلاق بین‌شخصی اجتماعی از آیات قرآنی است.

جدول ۱) اخلاق در روابط بین‌شخصی

ردیف	ساحات گوناگون	مصادیق آیات و روایات
۱	خانواده	نیکو سخن گفتن با والدین و نفی ترش‌رویی (اسراء/۲۳)
		احسان و نیکی به والدین (بقره/۸۳؛ نساء/۳۶؛ انعام/۱۵۱؛ اسراء/۱۳ و ۲۳)
		تشکر از والدین (به‌ویژه مادر) (لقمان/۱۴)
	دیگر بستگان	اخلاق همسررداری (نساء/۱۹، ۲۴، ۱۲۸؛ اعراف/۱۸۹)
		احسان و انفاق به خویشاوندان نزدیک‌تر (انفال/۷۵) و همه خویشان (توبه/۱۹)

مصداق آیات و روایات	ساحات گوناگون	ردیف
رعایت حقوق همسایگان دور و نزدیک (توبه/۹۱)	اخلاق معاشرت	۲
خوش رویی و برخورد خوب (بقره/۸۳؛ فرقان/۶۳)		
به نرمی سخن گفتن (طه/۴۴) و نهی تندخویی (آل عمران/۱۵۹)		
احسان و نیکی به مستمندان و یتیمان، در راه‌ماندگان (توبه/۱۹، نحل/۹۰، نساء/۳۶) و همسایگان و دوستان (نساء/۳۶) و اطعام به فقرا (انسان/۸، ۹)		
مهمان‌نوازی (حشر/۹)		
نهی از نجواهای ناراحت‌کننده و سوءظن‌آور و تفاهم‌آور (نساء/۱۱۴)		
ترک عیب‌جویی (همزه/۱)، مسخره کردن (حجرات/۱۱؛ جاثیه/۹)، سخن‌چینی و کینه‌توزی (قلم/۱۰ تا ۱۳) و بیان سخن زشت به دیگران (نساء/۱۴۸)		
نهی استهزا (بقره/۱۴ و توبه/۷۹)		
حسن ظن به دیگران، نهی تجسس در کار دیگران (نور/۱۲؛ حجرات/۱۲)		
اظهار و بیان بدی‌های دیگران (نساء/۱۴۸)		

ردیف	ساحات گوناگون	مصادیق آیات و روایات
۳	اخلاق معاشرت	غیبت (حجرات/۱۲)
		نهی تهمت و افترا (یوسف/۷۷، نساء/۲۰، ۹۷، ۱۱۲؛ نور/۴، ۱۶، ۱۷)
		آداب سخن گفتن با دیگران (حجرات/۱-۴)
		نهی بلند صحبت کردن با مردم (لقمان/۱۹)
		نهی منت گذاردن (مدثر/۶)
		نهی دروغ‌گویی (توبه/۹۰، زمر/۳)
		رازداری (آل عمران/۱۱۸)
		صداقت (زمر/۳۳؛ حجرات/۱۵)
		نهی از حسد (بقره/۱۰۹؛ نساء/۵۴؛ فلق/۵)
		اصلاح ذات‌بین و ایجاد صلح در بین مردم (بقره/۲۲۴؛ نساء/۱۱۴؛ حجرات/۱۰؛ انفال/۱)
		تواضع و فروتنی (شعراء/۲۱۵؛ فرقان/۶۳؛ شعرا/۲۱۵) و نفی تکبر (نساء/۳۶؛ لقمان/۱۸؛ نوح/۷؛ زمر/۷۲؛ فصلت/۱۵)
		خودبرتربینی (هود/۲۷)
		حلم، بخشش، کظم غیظ (آل عمران/۱۳۴؛ شورا/۴۳)
		عفو و گذشت در مقابل خطاهای بزرگ و کوچک دیگران (بقره/۱۷۸)
		انفاق یا صدقه و ... (بقره/۳ و ۲۴۶؛ آل عمران/۹۲؛ تغابن/۱۶؛ دهر/۸-۱۰)
		نهی بخل (آل عمران/۱۸۰؛ نساء/۳۷؛ لیل/۸ تا ۱۰)
		وفای به عهد و قراردادهای (بقره/۱۷۷؛ آل عمران/۷۷؛ مائده/۱؛ انعام/۱۵۲؛ مؤمنون/۸؛ احزاب/۲۳؛ نحل/۹۱)
		امانت‌داری (مؤمنون/۸، نساء/۵۸؛ آل عمران/۷۵)
		نهی از دست‌درازی به مال یتیم و ظلم بر او (انعام/۱۵۲)، یتیم‌نوازی (نساء/۲-۶)

ردیف	ساحات گوناگون	مصادیق آیات و روایات
۴	اخلاق شهروندی	رضایتمندی، اتحاد و مسالمت (انفال/۱)
		عدالت (نحل/۹۰) چه در صورت دشمنی و عداوت (مائده/۸) و چه در صورت نزدیکی و قرابت (نساء/۱۳۵؛ انعام/۱۵۲)
		عدالت در داوری و قضاوت افراد جامعه (نساء/۵۸؛ انعام/۱۵۲)
		شهادت و گواهی دادن به عدالت (حجرات/۹)
		همکاری و تعاون بر کار خیر و نیک و نه در کار زشت و گناه (مائده/۲)
		نهی رهبانیت (حدید/۲۷)
		نهی اختلاف و تنازع در جامعه و توصیه یکدلی و اتحاد (انفال/۴۶)
		نهی اشاعه فحشا و بازگ کردن عیب دیگران در جامعه (نور/۱۹)
۵	صاحبان مشاغل و حرفه‌ها	عدالت در پیمانانه، وزن (انعام/۱۵۲؛ هود/۸۴ و ۸۵)
		نهی کم‌فروشی (مطففین/۱-۳)
		عدالت در اخلاق قضاوت (مائده/۴۲-۴۹)
۶	اخلاق حکمرانان و اخلاق سیاسی	برقراری عدالت (شوری/۱۵)
		اصلاح اجتماعی (اعراف/۱۴۲)
		نهی از دادن رشوه به حکام (بقره/۱۸۸)
		عدالت محوری/مسئولیت‌پذیری/خیرخواهی برای مردم/مهربانی با مردم/بخشنده‌گی/ساده‌زیستی/دانش‌افزایی/امیدبخشی/در دسترس مردم بودن/حفظ اسرار مردم/چشم‌پوشی از خطاها/حراست از مرزها/گزینش صالحان برای مسئولیت‌ها/حمایت از محرومان/عدم اعتنا به سخن‌چینان/پرهیز از دروغ و خیانت و (جمع روایات از: جوادی آملی، ۱۳۹۱، ۴۳۶-۴۴۳)

ج) عدم اتحاد، اختلاف و دشمنی در جامعه

در سبک زندگی اسلامی نه تنها، عصبیت، (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲) اختلاف و تفرقه در جامعه، نهی شده است، (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷ و ۱۹۲) بلکه به اصلاح ذات بین تأکید شده

۱. «آن‌گاه به پایان کارشان بنگرید، زمانی که میانشان تفرقه افتاد و الفتشان به پراکندگی کشید و میان آن‌ها به دل و زبان خلاف و پراکندگی افتاد.

است (نساء/۱۱۴) و بالاتر از آن به اعمالی سفارش شده است که به همیاری، دیگرگرایی و نیکی به دیگران منجر می‌شود (بقره/۱۹۵)^۱ و بالاتر از چنین تأکیدی، به اتحاد و مسالمت^۲ بین اعضای جامعه حکم شده است: «پس شما مؤمنان باید از خدا بترسید و در رضایت و مسالمت و اتحاد بین خودتان بکوشید.» (انفال/۱) و بالاتر از روحیه مسالمت، ترویج روحیه برادری، همدلی بین مردم است که با ایجاد چنین فضایی در جامعه، اخلاق به صورت پیامد چنین الگویی خودبه‌خود ظهور می‌یابد که نوعی رویکرد مثبت‌گرا نظیر تأکیدات روان‌شناسان مثبت‌گرا (سلیگمن ۲۰۰۰، ۵-۱۴) است که صرفاً به رفع رذایل توجه نمی‌کند. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

خداوند، بر این رحمت انسانی «وحدت و برادری»، بر مردم منت گذارده بود که در سایه آن زندگی کنند و به کنف حمایت آن پناهنده شوند، نعمتی بود که هیچ ارزشی همانند آن نمی‌توان تصور کرد. بدانید که پس از هجرت، دوباره چون اعراب بادیه‌نشین شده‌اید و پس از وحدت و برادری، به احزاب گوناگون تبدیل شده‌اید (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۲).

قرآن کریم مؤمنان را برادر می‌خواند: «به حقیقت مؤمنان همه برادر یکدیگرند پس همیشه بین برادران ایمانی خود صلح دهید و خداترس و پرهیزکار باشید، باشد که مورد لطف و رحمت الهی گردید» (حجرات/۱۰). تأکید بر الفت، برادری و روحیه جمعی در آیات بسیاری به چشم می‌خورد (حشر/۹ و ۱۰)^۳: «وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (انفال/۶۳).

علاوه بر محبت در سطح کلان، محبت در سطح خرد، یعنی به دیگران خاص نیز مطرح است. در ادبیات فلسفی و عرفانی ما، با تقسیم انواع عشق و تأکید بر عشق‌های معنوی و الهی، عشق به دیگران، با نام‌گذاری به عشق مجازی (در مقابل عشق حقیقی) (طوسی ۱۳۸۵، ۳، ۳۸۳)، مغفول مانده است. عشق، در آثار برخی اخلاق‌نگران، نوعی بیماری شمرده می‌شود (طوسی، ۱۳۸۷، ۱۹۵). درحالی‌که از منظر قرآنی، علاوه بر اهمیت عشق خدایی، محبت‌های زمینی به دیگران خاص (حجرات/۱۰)^۴ ترغیب شده است و گویی این محبت،

با یکدیگر به نزاع برخاستند و خداوند جامه کرامت خود از تنشان به در کرد و نعمت سرشارش را از آنان بستد. داستان‌شان در میان شما بماند تا مگر عبرت گیرندگان عبرت گیرند».

۱. وَ أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

۲. «پس اندیشه کنید که چگونه بودند نگاه‌که وحدت اجتماعی داشتند، خواسته‌های آنان یکی، قلب‌های آنها یکسان و دستان آن‌ها مددکار یکدیگر، شمشیرها یاری کننده، نگاه‌ها به یک‌سو خیره و اراده‌ها واحد و همسو بود» (نهج‌البلاغه/۱۹۲).

۳. کسانی (از انصار) که پیش از آن‌ها خانه و ایمان (خویش) را آماده کردند، کسانی را که به سویشان هجرت کردند دوست دارند و نسبت به آنچه به آن‌ها داده شده در دل خود احساس نیاز نمی‌کنند و (آن‌ها را) بر خود مقدم می‌دارند، هرچند خود بدان نیاز مبرمی داشته باشند.

۴. إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

سایه‌ای از عشق خدایی است. به‌عنوان مثال تقویت روحیه عشق‌ورزی در میان زوجین (روم/۲۱)^۱، سبب بروز رفتارهای متعالی و مانعی برای گسترش بداخلاقی‌های اجتماعی نظیر خیانت، طلاق و ... خواهد بود.

د) قانون‌گرایی

منفعت‌طلبی و خیرخواهی شخصی، مانع بزرگی بر رشد اخلاق جمعی است که تنها با نظارت بالادستی و ضمانت اجرایی رفع می‌گردد. قانون نقش بازدارندگی در اخلاق دارد و با ایجاد محدودیت‌ها، سبب جلوگیری از آسیب‌های رفتاری است. قانون ضامن اجرایی اخلاق در مواردی است که افراد با پتانسیل‌های مثبت، در موقعیت اخلاقی قرار نمی‌گیرند. با این بیان، قانون‌گرایی به‌صورت سلبی ضمانت اجرایی اخلاق در اجتماعی است که روحیه اخلاقی در آن حاکم نیست. خداوند دین را قانون الهی می‌داند که علتی برای رفع اختلافات و انضباط اجتماعی است: «ابتدا مردم امت واحده بودند. زندگی حالت بساطت و سادگی داشت و اختلافی نبود. آنگاه اختلاف پیدا شد و نیاز به قانون برای رفع آن اختلافات، رخ نمود. پیامبران الهی وحی را برای رفع اختلاف آوردند و بدین‌سان قوانین الهی برای هدایت بشر، تشریح شد.» (بقره/۲۱۳) و در موضعی دیگر: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأُنزِلَ مَعَهُمُ الْكِتَابُ بِالْحَقِّ لِيُحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا» (همان). همچنین در آیات بسیاری بر امر خدا به عدل، احسان، انجام واجبات و نهی از منکرات که هم می‌تواند جنبه فردی داشته باشد و هم جنبه اجتماعی، تأکید کرده است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (نحل/۹۰)

ه) نظارت همگانی

در سبک زندگی اسلامی، مسلمان نمی‌تواند نسبت به وضعیت رفتاری و اخلاقی دیگران بی‌توجه باشد. قاعده امر به معروف و نهی از منکر، تأییدی بر این مدعا است: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ، بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»؛ (توبه/۱۷ و آل عمران/۱۰۴) تأثیر جامعه و الگوهای رفتاری دیگران، بر توسعه یا سقوط اخلاقی افراد (کیلن ۱۳۸۹، ۲، ۶۵۷-۶۶۷)، دلیلی بر ضرورت ایجاد فضای نظارت همگانی است. نظارت همگانی در جامعه اسلامی، در تمامی سطوح و ابعاد جامعه مطرح می‌شود. نظارت بر اعمال خانواده (طه/۱۳۲)؛ تحریم، نظارت بر رفتار سایر مسلمانان، شهروندان و دیگر افراد جامعه (توبه/۷۱)، نظارت بر عملکرد حکمرانان (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۷۴) و ... از جمله مصادیق قرآنی است. نظارت

۱. «و از نشانه‌های او آن است که از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و میان شما و همسرانتان علاقه شدید و رحمت قرار داد؛ بی‌شک در این (نعمت الهی) برای گروهی که می‌اندیشند نشانه‌های قطعی است.»

همگانی در قرآن، گاه سفارشی در سطح خرد و فردی است (لقمان/۱۷؛ حج/۴۱؛ نحل/۹۰) و گاه وظیفه‌ای کلان‌تر و در سطح نظارت سیستمی و جمعی (آل عمران/۱۰۴ و ۱۱۰) است. البته امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان واجبی کفائی، خود دارای اخلاقی است که عدم رعایت آن، آن را تبدیل به منکر می‌کند.

(و) اصلاح خویش پیش از اصلاح جامعه

اگرچه توجه به عملکرد رفتاری دیگران در اسلام تأکید شده است، اما شرط آن، اصلاح خود، قبل از دیگران است. حق امر به معروف و نهی از منکر برای کسی است که در آن مورد خاص، خود آراسته به معروف و پیراسته از منکر باشد: «ایا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید؟!»^۱ (بقره/۴۴) در سوره صف آیه دو، خداوند می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی می‌گویید که به آن عمل نمی‌کنید؟»^۲ در آیات و روایاتی به اصلاح خود، پیش از اصلاح جامعه، تأکید شده است؛ از جمله در آیه ۱۰۵، سوره مائده آمده است «ای اهل ایمان، شما (ایمان) خود را محکم نگاه دارید که اگر همه عالم گمراه شوند و شما به راه هدایت باشید، زبانی از آن‌ها به شما نرسد. بازگشت همه شما به سوی خداست و همه شما را به آنچه کردید آگاه می‌سازد». حکم بر اصلاح خود قبل از اصلاح جامعه، علاوه بر این‌که از حیث اخلاقی اهمیت دارد، از لحاظ روان‌شناختی نیز قابل‌بحث است. از لحاظ روان‌شناختی، ساختار فکری انسان به‌گونه‌ای است که نافی سخن شخصی می‌شود که خود متخلق به آن اخلاقی که توصیه می‌کند نیست.

(ز) تغییر و مسخ ارزش‌ها

یکی از عوامل انحرافات اخلاقی-اجتماعی، تغییر و مسخ ارزش‌ها است (روشه ۱۳۸۶، ۱۴۵). ارزش‌های یک جامعه، مبتنی بر جهان‌بینی آن، باورها و شناخت‌های پایه و اساسی است. مطهری به ارتباط ارزش‌ها و جهان‌بینی فلسفی پرداخته است (مطهری ۱۳۸۵، ۲، ۲۲۶). این امر تأکیدی بر اهمیت شناخت و «أَفَلَا تَعْقِلُونَ» مکرر قرآنی است. البته ارزش‌ها صرفاً باورها و ایده‌های شناختی محض نیستند، بلکه نوعی باورهای انگیزشی‌اند (وثوقی ۱۳۸۹، ۹۷). نویسنده مقاله «بازنمایی فرآیند شکل‌گیری دگرگونی ارزشی در افراد با محوریت زنان: مطالعه‌ای به روش نظریه برخاسته از داده‌ها»، به نحو میدانی، دگرگونی ارزشی زنان در جامعه را حاصل تغییر در باورهای افراد از مبدأ هستی و فلسفه وجودی انسان معرفی کرده است (غفوری ۱۳۹۵). وثوقی علاوه بر تغییر شناخت‌ها، به عوامل مختلفی در تغییر ارزش‌ها اشاره کرده است (وثوقی ۱۳۸۹،

۱. أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ

۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَعْمَلُونَ

۹۹ به بعد). امام علی علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید: «مردم را روزگاری رسد که در آن از قرآن جز نشان آن نماند و از اسلام جز نام آن» (نهج البلاغه، حکمت ۳۶۱). ایشان در موضعی، به ذکر مثال در باب مسخ ارزش ها، با برخی مصادیق بی اخلاقی پرداخته اند:

بر مردم روزگاری می آید که مقرب نبود، مگر سخن چین و خوش طبع، به شمار نیاید، مگر تبهکار و مردم منصف را ناتوان خوانند و صدقه را غرامت شمارند و صله رحم را منت نهادن و عبادت را برتری فروختن بر مردم (نهج البلاغه، حکمت ۱۰۲).

ح) روش آموزش اخلاق

آموزش اخلاق، از سه طریق ممکن است: آموزش مستقیم؛ آموزش غیرمستقیم؛ آموزش حین عمل (فرامز قراملکی ۱۳۸۳، بخش آخر). پژوهش های محققین حاکی از این است که یادگیری اخلاقیات، با آموزش غیرمستقیم نتیجه بخش تر و مؤثرتر است: «بیشترین یادگیری ها، به صورت غیرمستقیم و ضمنی صورت می گیرد؛ یعنی ما بیشتر از طریق تجربیات عملی و تجربی خود یاد می گیریم» (وجدانی ۱۳۹۳، ۵۱). در سبک زندگی اسلامی علاوه بر آموزش مستقیم اصول اخلاقی رفتاری فردی یا اجتماعی که در آیات فراوانی دیده می شود، مخاطب، شاهد آموزش غیرمستقیم اخلاقیات، از طریق الف) معرفی الگوهای اخلاقی، ب) سبک داستانی تربیت است. [الف] آموزش از طریق الگوهای متخلق به اخلاق اسلامی بر آموزش زبانی و مستقیم اولویت دارد: «مردم را با عمل خود به نیکی ها دعوت کنید نه با زبان خود» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۱۹۸). خداوند در آیات فراوانی به معرفی الگوها پرداخته است و الگوبرداری رفتاری را برای بسامان کردن خلقیات، توصیه کرده است: «بی تردید، برای شما در همه ابعاد، اسوه و الگوی نمونه در رسول خدا است. برای آن ها که به رحمت خدا و روز قیامت امیدوار باشند و یاد خدا بسیار می کنند» (احزاب/۲۱). تأکید بر آموزش غیرمستقیم، به معنای نفی اهمیت آموزش زبانی و مستقیم نیست. آیاتی که در ابتدای این جستار در باب ابعاد و مصادیق رشد اخلاق اجتماعی آمده است، گواه بر این مدعا است. [ب] یکی از مباحث مورد بحث روان شناسان اخلاقی، پرورش هوش اخلاقی کودکان و تأثیر آن بر سایر ساحات زندگی کودک و دیگر ابعاد رشد اوست. در زمینه پرورش هوش اخلاقی، نکات فراوانی بیان شده است اما از این میان، تأثیر داستان و چالش ها و موقعیت هایی که قصه برای قضاوت اخلاقی و رشد عاطفی، همدلی و ... ایجاد می کند، اهمیت فراوانی دارد (علی اکبری و دیگران ۱۳۹۳، ۳۵). اندیشمندان فیک فلسفه برای کودکان و نوجوانان) نیز، داستان را یکی از مهم ترین طرق آموزش غیرمستقیم

اخلاقیات می‌دانند که کودکان و نوجوانان، از طریق داستان به گفتگو، قضاوت، استدلال، تفکر و خوداصلاحی اخلاقی می‌پردازند (کریمی ۱۳۹۴). در قرآن کریم، پندگرفتن از داستان اقوام و سایر ملل، از شیوه‌های پربسامد تربیتی است.

ط) عادت‌واره‌ها و تعصبات میان‌گروهی

بر اساس پژوهش‌های روان‌شناسان فرهنگی، روابط میان‌گروهی، سبب ایجاد نگرش‌ها، قضاوت‌ها، سوگیری‌ها و تمایلات درون‌گروهی می‌گردد که به سبب آن، افراد گروه خود را حمایت کرده و حتی تصورات قلبی، تعصبات و پیش‌داوری‌های برون‌گروهی منفی ابراز می‌دارند. بر اساس تحقیقات تجربی، این نوع تعصبات و نگرش‌های درون‌گروهی در بزرگ‌سالی به‌سختی تغییر می‌یابند. در این میان تصورات قلبی نژادی و قومی اهمیت بیشتری دارد (کیلن ۱۳۸۹، ۳۱۹-۳۲۸). در قرآن کریم، تعصبات میان‌گروهی همچون تعصب به آیین و الگوهای رفتاری گذشتگان و پدران (بقره/۱۷۰؛ نوح/۷ و ۲۳؛ اعراف/۷۰؛ انبیاء/۵۳)، تعصبات نژادی (فصلت/۴۴)^۱ و مذهبی (بقره/۱۱۳)^۲ و جنسیتی (نحل/۵۸)^۳ ناپسند و مانعی برای فهم حقیقت و برگرفتن الگوهای صحیح رفتاری معرفی شده است. قرآن کریم عادت کردن به ارزش‌های منطوی در فرهنگ‌ها را نفی می‌کند و به آزادی فکری مزین است (هود/۸۷).

ی) جزئی‌نگری به الگوهای قرآنی و بی‌توجهی به اصول ثابت اسلام

در قرآن کریم و احادیث، اگرچه دستورات و سفارش‌ها اخلاقی با مصادیق جزئی بسیاری آمده است، درعین حال، گاه دستورات کلی به چشم می‌خورد که می‌تواند به‌عنوان یک قانون، در تمامی موضوعات جزئی صادق باشد. ترویج این قوانین کلی خود، به تنظیم مصادیق در روابط بین‌شخصی یا سطح کلان می‌انجامد. میان‌روی در عملکرد، یکی از این قوانین کلی است: «وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَ مَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنُعَلِّمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَ إِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ إِيْمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ» (بقره/۱۴۳). این میان‌روی با مثال‌های مختلفی در قرآن موجود است: اعتدال در انفاق (فرقان/۶۷؛ اسراء/۲۹)^۴ میان‌روی

۱. وَلَوْ جَعَلْنَاهُ فُرْقَانًا أَتَّخِذُوا لِقَالِ لَوْلَا فَضَّلْتُ آبَائَهُ الْأَعْجَمِ وَعَزَّيْتُ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشَفَاءً وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَئِكَ يُنَادُونَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ

۲. وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَى عَلَى شَيْءٍ وَقَالَتِ النَّصَارَى لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَى شَيْءٍ وَهُمْ يثْلُثُونَ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

۳. وَإِذَا بَشَّرْنَا أَحَدَهُمْ بِالذَّنْبِ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ

۴. وَالَّذِينَ إِذَا أَنفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا

۵. وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا

در اعتقاد و عبادت و ابراز عقیده (اسراء/۱۱۰)،^۱ میانه‌روی در رفتار (لقمان/۱۹)^۲ و قانون میانه‌روی در عملکرد، یادآور فضیلت عدالت در اخلاق فلسفی است. فلاسفه در تحلیل فضایل اخلاقی، با تناظر به قوای نفسانی، اجناس فضایل و انواع تحت آن را مشخص می‌کنند (ابن مسکویه ۱۳۸۱، ۶۷؛ طوسی ۱۳۸۷، ۱۰۸-۱۱۱). بستر تحقق فضیلت در قوای نفسانی، اعتدال و دوری از افراط و تفریط است (طوسی ۱۳۸۷، ۱۱۷)، قاعده زرین نیز، از این جمله اصول همه‌جائی است: «با مردم چنان رفتار کن که دوست داری با تو رفتار کنند»، (کلینی ۱۳۸۹، ۲، ۱۶۹) امام علی علیه السلام می‌فرمایند:

ای پسر من نفس خود را میزان میان خود و دیگران قرار ده، پس آنچه را که برای خود دوست داری برای دیگران نیز دوست بدار و آنچه را که برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران می‌پسند (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱) .

ترویج این اصول کلی، برای عموم مردم که به تمام جزئیات اخلاقی علم ندارند تأثیر بیشتری دارد زیرا این اصول کلی، به‌منزله ترازوی سنجش در موقعیت‌هایی است که در باب دستورات جزئی، ناآگاهی وجود داشته باشد.

۲) آسیب‌های سطح خرد و فردی

الف) آسیب‌های درونی

یک) عدم تفکر و تعقل

خردورزی، تفکر (انعام/۵۰) و تعقل (آل عمران/۶۵، اعراف/۱۶۹، صافات ۱۳۸ و ...)، در آیات بسیاری تأکید شده است. تأکید بر تفکر در برخی آیات، برای استحکام، مقام شناختی انسان و جهان‌بینی‌سازی است (روم/۸۳؛ انعام/۳۲؛ انبیاء/۶۶ و ۶۷، مؤمنون/۸۰) و در برخی آیات، مقدمه‌ای برای رفتار و اخلاق انسانی است. در مباحث اخلاقی، آن دسته از آیاتی که تعقل و تفکر را، مقدمه، زمینه‌ساز و یا علت رفتار می‌دانند اهمیت می‌یابد. سوره حشر آیه ۱۴، عامل تفرقه و خشونت را، با فکر و تعقل نکردن همراه می‌سازد و در آیه‌ای از قرآن پلیدی و زشتی رفتار، به کسانی که تعقل نمی‌کنند نسبت داده شده است (یونس/۱۰۰). خداوند

۱. قُلْ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَلَا تَجْهَرُوا بِصَلَاتِكُمْ وَلَا تَخَافُوا يَهَابًا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا

۲. وَأَقِصْ فِي مَشِيكَ وَأَغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ

۳. أُولَئِكَ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ

۴. وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَجْعَلُ الرَّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ

در سوره انعام، سفارش به اخلاقیاتی نظیر احسان به والدین، عدالت در معامله و داوری و قضاوت و نهی ترک اعمال ناصالح نظیر قتل نفس، ترک جانب‌داری تعصب‌آمیز و ... را، با سفارش به عقلانیت و تفکر همراه ساخته است: «خدا شما را به این اندرزها سفارش نموده، باشد که تعقل کنید» (انعام/۱۵۱-۱۵۲). بر اساس این آیه، تعقل کردن به تصحیح رفتاری می‌انجامد و بی‌خردی، منجر به آسیب‌های رفتاری-اخلاقی است. تأکید بر رشد شناختی و خردورزی، به معنای عقل‌گرایی افراطی و نفی سایر عوامل رشد اخلاقی نیست. اندیشمندان روانشناسی رشد با پیروی از آثار پیازه (۱۹۴۸) و کلبگ (۱۹۸۴)، به نقش تفکر در رشد اخلاقی پرداخته‌اند. به اعتقاد ایشان، قدرت استدلال و قضاوت اخلاقی و قدرت مفهوم‌سازی افراد از مسئله درست و نادرست که مبتنی بر درک آن‌ها از حقوق، عدالت، انصاف و ... است، در انتخاب عقلانی ایشان، میان خوب و بد دخیل است (کیلن و اسمتانا ۱۳۸۹، ۷۲-۸۰). تأکید بر نقش تفکر به معنای نفی دیگر عوامل اخلاق نیست: «اخلاق در درجه اول از عواطف نشأت نمی‌گیرد و شکل‌گیری قضاوت در مورد درست و نادرست عمدتاً بر عهده عواطف نیست، بلکه عواطف در استدلال مستتر است» (نوسبوم ۱۹۹۹، ۷۲). تأکید قرآن بر تفکر، با توجه به آراء مروجین فلسفه برای کودکان که به اهمیت بی‌بدیل فکرپروری و تفکر انتقادی در رفتار می‌پردازند اهمیت بیشتری می‌یابد (لیپمن ۱۳۹۵، ۴۶).

دو) جهل و گمراهی

به نظر برخی روان‌شناسان اجتماعی، نگرش، علت و یا حداقل پیش‌شرط، هدایتگر، تعیین‌کننده و زمینه‌ساز رفتار اجتماعی شمرده شده است. نگرش ترکیبی از شناخت‌ها و باورها، هیجان و احساس‌ها و نوعی آمادگی برای عمل است. بعد شناختی، به معنای باورها و اطلاعاتی است که با نوعی ارزش‌داوری همراه است (کریمی، ۱۳۹۳). در آیات بسیاری جهل، عامل ضلالت و دانایی و علم، عامل هدایت نام برده شده است (انفال/۶۵؛ نمل/۵۵):^۲ «و همانا بسیاری از جنّ و انس را برای دوزخ آفریدیم، آنان دل‌هایی دارند که با آن حق را درک نمی‌کنند و چشمانی دارند که با آن نمی‌بینند و گوش‌هایی دارند که با آن نمی‌شنوند، آنان همچون چهارپایان، بلکه گمراه‌ترند، آنان همان غافلان‌اند» (اعراف/۱۷۹). قرآن کریم، علت عدم تمایل حضرت یوسف علیه السلام بر انجام فعل قبیح را، دوری از جهل معرفی می‌کند.^۳ (یوسف/۳۳) اگرچه علم به اصول و معیارهای اخلاقی، در انجام فعل

۱. قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيَّكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَلَا تَنْقَلِبُوا عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ إِنَّهُمَا بِلَآئِكُمْ كَافُونَ (انعام/۱۵۱)

۲. أُنْتُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّجْهَلُونَ

۳. لَا يَغْتَابُونَكُم بِجِيعًا إِلَّا فِي فُرَىٰ مُّحْصَنَةٍ أَوْ مِنْ وَّرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ شَدِيدٌ مِّنْهُمْ جِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّىٰ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ

اخلاقی مؤثر است، اما تنها عامل نیست:

تحقیقات انجام شده در کشور نشان می‌دهد که به‌رغم تلاش کشور و خانواده، در آموزش ارزش‌ها به دانش‌آموزان، تعداد قابل توجهی از جوانان جامعه امروز ما، با وجود اینکه ارزش‌های اخلاقی را قبول دارند، در بسیاری از موارد دست به انجام عمل غیراخلاقی می‌زنند» (وجدانی، ۱۳۹۳، ۴۸).

بر این اساس علاوه بر آموزش اخلاق و ایجاد آگاهی، باید عوامل و موانع دیگر نیز مورد توجه قرار گیرد. نگاه قرآن به سایر عوامل و موانع رشد اخلاقی، تأییدی بر رویکرد جامع و همه‌سونگر سبک زندگی قرآنی است که متفاوت از عقل‌گرایی افراطی است.

سه) شعار پاک‌بودن قلب

یکی از آسیب‌های شناختی که منجر به بی‌توجهی به عمل و باورها می‌شود، «شعار پاک بودن دل کافیست» هست که در جامعه امروزی با تأکیدی که قرآن بر «قلب سلیم»^۱ و خوش‌قلبی دارد (شعر/۸۸، ۸۹)^۲ رواج یافته است. درحالی‌که آگاهی و باورها در کیفیت عمل دخیل است، بنابراین اثبات اهمیت هیجانات در رفتار، نمی‌تواند به‌تنهایی توجیهی برای انکار باورها باشد. همراهی «ایمان» و «عمل صالح» نیز، با تقدم بر ایمان، ۹۶ بار در قرآن تکرار شده است: (ارزانی و ارزانی، ۱۳۹۲، ۱۲۸) «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» (عصر/۲ و ۳). اگرچه در علوم رفتاری، تأثیر هیجانات و احساسات بر رفتار اخلاقی نظریه‌پردازی شده است و هیجان و عواطف مثبتی نظیر حس همدلی، نوع‌دوستی و ... عاملی مهم در سوق دادن فرد به رفتارهای اخلاقی بین‌شخصی است (هافمن، ۲۰۰۰، ۲۵۰) و عواطفی منفی و آزاردهنده، نظیر ترس، اضطراب، شرم و احساس گناه، سبب خودکنترلی در تخلفات اخلاقی می‌شود (توریئل، ۱۹۸۵، ۱۷۱)، اما هیجان و گرایش‌های قلبی تنها عامل معرفی شده نیست. به تعبیر فلاسفه مسلمان، باوری به عمل می‌نشیند که از عواطف و شوق کافی و ترجیحی از میان انتخاب‌های مختلف برخوردار گردد (طوسی، ۱۳۷۵، ۲، ۴۱۱). همراهی و تأثیر توأمان شناخت، عواطف و محیط ولو به نحو طولی، توسط برخی روان‌شناسان نیز تأکید شده است (پیاژه، ۱۹۸۴).

هایت به‌عنوان سخنگویی در نظریات موافق هیجانات، با تأکید بر عواطف، به استدلال نیز منزلت ثانوی داده و آن را نیازمند تلاش و استفاده از شواهد می‌داند، البته وی معتقد است

۱. البته تفسیر قلب سلیم در آیاتی نظیر «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» متفاوت است. برخی منظور از قلب را نفس انسانی و روح میدانند که هم وظیفه شناختی دارد و هم مرکز عواطف است (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ۱۳۱) و برخی قلب سلیم را دل با اخلاص و دور از شرک و کفر و ریا و نفاق می‌شمارند (قرائتی، ۱۳۸۳، ذیل آیه)

۲. یوم لا ینفع مالٌ ولا بنون، إلا من اتى الله بقلبٍ سلیم

بودن در یک فرهنگ و روابط اجتماعی خاص نیز، بر افراد آن تأثیر می‌گذارد (هایت ۲۰۰۰، ۸۲۶). براین اساس شعار پاک بودن قلب، بدون توجه به باورها عمل، از لحاظ علمی نیز مؤید بسنده‌ای ندارد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «به سبب اینکه پیمانشان را شکستند، لعنتشان کردیم و دل‌هایشان را سخت و حق‌ناپذیر کردیم» (مائده/۱۳). در این آیه شکستن پیمان الهی و نفی باورهای اعتقادی، خود عاملی برای سختی دل نام برده شده است. حتی به تعبیر قرآن، اعمال ناپسند، به تدریج قلب را تحت تأثیر قرار می‌دهد (مطففین/۱۴).

چهار) دنیاگرایی و ظاهرپرستی

در مضامین اسلامی، به تلاش برای کسب برخی مواهب این دنیایی، کسب روزی حلال، محبت به زن و فرزند و ... سفارش و تأکید شده است. سبک زندگی قرآنی، مدلی برای بی‌اعتنایی به امور مادی و این جهانی نیست، اما چنین تأکیدی، به معنای سفارش بر دنیاگرایی و ظاهرپرستی نیست: «(اکثر) آنان به امور ظاهری از زندگی دنیا آگاه‌اند و از عالم آخرت (و وعده ثواب و عقاب حق) به کلی بی‌خبرند.» (روم/۷) دنیاگرایی به معنای در اولویت قرار دادن امور مادی در رأس اهداف و آرزوهای یک شخص است. روش زندگی قرآنی، توجه توأمان به امور معنوی و امور دنیایی (قصص/۷۷)^۱ با اولویت معنویات است. خداوند در سوره توبه بر اولویت امور معنوی، بر خانواده، نزدیکان، اموال، تجارت، خانه، املاک فرد و ... اشاره کرده است (توبه/۲۴). اینکه خداوند در آیاتی (یونس/۱۰)، توجه به متاع جهان فانی را نکوهش می‌کند^۲ و در کتب احادیث، بابی در نکوهش دنیا و حرص بر دنیا وجود دارد (کلینی ۱۳۸۹، ۵، ۲۳۱-۲۴۳)، به معنای ترک کامل تعلقات مادی نیست، بلکه به معنای نهی از اولویت قرار دادن این امور، در رأس خواسته‌ها، اهداف و برنامه‌ریزی‌های افراد است. رسول خدا ﷺ فرمود:

سرآغاز آنچه سبب نافرمانی خدا است شش چیز است: دوستی دنیا، دوستی ریاست، دوستی طعام، دوستی خواب، دوستی راحت و آسایش و دوستی زن‌ها (کلینی ۱۳۸۹، ج ۵، ۱۶۷).

پنج) خلیات فردی مؤثر در روابط بین‌شخصی

• صبر

صبر در روابط بین‌شخصی افراد در جامعه، نقش کلیدی در جلوگیری از تنازع و ایجاد

۱. وَ اتَّبِعْ فِيهَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَسْئَلْ نَفْسِيكَ مِنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرِينَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ

۲. «مردم را حبّ شهوات نفسانی، از میل به زن‌ها و فرزندان و همیان‌هایی از طلا و نقره و اسب‌های نشان‌دار نیکو و چهارپایان و مزارع در نظر زیبا و دل‌فریب است، (لیکن) این‌ها متاع زندگانی (فانی) دنیاست و نزد خداست منزل بازگشت نیکو» (آل عمران/۱۴).

همراهی دارد. به‌عنوان مثال، صبر نداشتن، سبب فحاشی رانندگان به یکدیگر و یا رفتار نامناسب مسافران متروی شهری در روابط شهروندی می‌گردد. «و همه پیرو فرمان خدا و رسول باشید و هرگز راه اختلاف و تنازع نپویید که در اثر تفرقه ترسناک و ضعیف شده و قدرت و عظمت شما نابود خواهد شد، بلکه همه باید یکدل، پایدار و صبور باشید که خدا همیشه با صابران است» (انفال/۶۶).

• حسد

حسد نیز، به‌عنوان ریشه تمامی رذایل و صفات ناپسند شمرده شده است که می‌تواند رذایل دیگری را به همراه آورد (تمیمی آمدی بی‌تا، ۱، ۳۹۹).

• غضب

خشونت و غضب نیز از خلقیات فردی‌ای است که در روابط بین‌شخصی مؤثر است. امام صادق علیه السلام، خشم را کلید هر بدی معرفی کرده است (کلینی ۱۳۸۹، ۵، ۱۹۹) و می‌فرماید: «خشم، دل مرد حکیم را از میان ببرد و هر که مالک خشم خود نیست، مالک عقل خود نیست.» (همان، ۲۰۵) این بیان، با توجه به اهمیت عقل‌گرایی و رشد عاطفی-هیجانی در رشد اخلاقی بسیار حدیث پراهمیتی در زمینه آسیب‌های رشد اخلاقی است.

نش (شش) خودخواهی و بی‌توجهی به مسئولیت‌های اجتماعی

در سبک زندگی قرآنی، خودخواهی و توجه صرف به منافع شخصی مذموم است و به دغدغه‌مندی نسبت به خیر دیگران و نوع‌دوستی سفارش شده است. اگرچه مذمت خودخواهی و خودپسندی را با همین الفاظ در ادبیات قرآنی نیافتیم، اما محتوای مذمومیت در آیات بسیاری موجود است. به‌عنوان مثال در سه آیه نخست سوره مطفین، کم‌فروشان که حق مردم را نادیده می‌گیرند اما در ارتباط با حق خود، آن را کامل می‌ستانند، مذمت شده‌اند.^۱ در زندگی اسلامی، خودگروی اخلاقی^۲ که یکی از انواع نظریات هنجاری است، جایگاهی ندارد و به دیگرگرایی توصیه شده است. تأکید بر جود و سخاوت (حشر/۹؛ اسراء/۲۹)، نوع‌دوستی، خیرخواهی، نیکوکاری، احسان (نحل/۹۰)^۳، محبت به دیگران، ایشار (حشر/۹)^۴ نمودی از اهمیت دیگرگرایی است. اما تأکید بر دیگرگرایی، به معنای انطباق با

۱. وَيَلِّ لِلْمُطَفِّفِينَ/الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ/وَإِذَا كَالُواهُمْ أَوْ وَزَنُواهُمْ يُخْسِرُونَ

2. egoism

۳. إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

۴. وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحْجُونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شَعْنَهُ نَفْسُهُ قَوْلِيكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.

برخی از نظریات فلاسفه اخلاق چون آگوست کنت^۱ و نظریه دیگرگروی اخلاقی^۲، به معنای بی‌توجهی به حب ذات و نفی منافع خودی و یا لحاظ منفعت دیگری در صورت کاهش ضریب نفع شخصی به صورت الگوی همه‌جائی و همه‌مصادقی نیست. در سبک زندگی قرآنی، همه‌گرایی که شامل منافع من و دیگران است، متلائم الگودهی می‌گردد. دیگرگرایی در سبک زندگی قرآنی، در مواردی دارای حدود است، به‌عنوان مثال انفاق در حد افراط که به نیازمندی فرد بیانجامد نهی شده است (اسراء/۲۹)^۳. ارائه نظریه در مورد ضریب اهمیت و اولویت خود یا همه یا دیگران در مصادیق مختلف فعل اخلاقی از دیدگاه قرآنی، پژوهش مستقلی را می‌طلبد. در ریشه‌یابی عوامل و موانع رشد اخلاق اجتماعی در جامعه کنونی نیز، در برخی از مصادیق، خودخواهی و توجه حداکثری به نفع خودی را شاهدیم.

مسئولیت‌پذیری اجتماعی، امری دارای مراتب است که در مراتب پایین‌دستی آن، عدالت و در مراتب بالادستی آن احسان مطرح می‌شود. (الف) عدالت در قالبی سلبی، به صورت جلوگیری و مراقبت از عدم تضييع حقوق دیگران است و (ب) به صورت فعالانه و مثبت‌گرا، حساس بودن و پیگیری در احقاق حقوق دیگران است (نظیر بیان: مطهری ۱۳۸۵، ۱، ۸۰). متعلق حقوق دیگران نیز صرفاً امور مادی و مالی نیست، بلکه جان، آبرو و مصالح دیگران، حقوق محیط زیست، دین، مظاهر سرمایه اجتماعی نظیر اعتماد، امنیت اجتماعی و نیز مطرح است. قرآن کریم در باب حق الناس، به مسائل مختلفی اشاره کرده است: عدم تجاوز به حقوق دیگران و ستم بر دیگری (بقره/۱۹۴)^۴، عدم تجاوز به مال دیگران (نساء/۲)، حکم به قصاص (بقره/۱۷۸ و مائده/۴۵)^۵، ادای دین (بقره/۲۸۲)، امانت‌داری (بقره/۲۸۳ و نساء/۴۸۷)^۶، وفای به قراردادها (مائده/۱)^۷، نهی از کم‌فروشی (مطففین/۱-۳)^۸، عدل، رعایت انصاف و احسان، انعام و بخشش است (نهج البلاغه، حکمت ۲۳۱). متعلق بخشش، می‌تواند از نوع صله رحم (نهج البلاغه، نامه ۳۱) و مهر و محبت معنوی، (قرائتی، ۱۳۸۳، ۱، ۳۳۳)، عفو و گذشت در مقابل خطاهای دیگران (بقره/۱۷۸)، دستگیری در هنگام اندوه و گرفتاری

1 . Auguste Comte

2 . Altruism

۳. وَلَا يَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسِطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا

۴. الشُّهْرُ الْحَرَامُ بِالشُّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ.

۵. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحَرُّ بِالْحَرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَىٰ بِالْأُنثَىٰ فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتِّبَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنْ اعْتَدَ بَعْدَ ذَلِكَ فَعَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ

۶. وَكُنْتُمْ عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنْ تُنْفَسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنِ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفُ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنُ بِالْأُذُنِ وَالسِّنُّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحُ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

۷. إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا.

۸. رک به: علی اکبریان، مجتبی. ۱۳۹۲. «بررسی اهمیت حق الناس در قرآن کریم». حسنا؛ فصلنامه تخصصی در تفسیر (۱۹)۵.

و تنگنا،^۱ و از نوع بخشش مالی و مادی^۲ (بقره/۱۷۷) باشد. بخشش مادی، انواع متعددی می‌یابد انفاق (بقره ۱۹۵)، صدقه (حدید/۱۸)، زکات (نساء/۱۶۲)، خمس (انفال/۴۱)، دادن قرض و دین مسلمان، قرض الحسنه (بقره/۲۴۵) از انواع آن است.

هفت) پیروی از هواهای نفسانی

مصباح یزدی در کتاب انسان‌سازی در قرآن، پیروی از هوای نفس را، به‌عنوان یکی از عوامل سقوط و انحراف آدمی بررسی کرده است و آیات قرآنی را در این باب جمع‌آوری و تحلیل کرده است (مصباح یزدی ۱۳۸۸، ۱۰۵-۱۱۴). بررسی این آیات می‌رساند که پیروی از هوای نفس، هم می‌تواند عامل گمراهی فکری (کهف/۲۸؛ طه/۱۶؛ جاثیه/۲۳؛ نجم/۲۳) و هم عامل انحراف اخلاقی-رفتاری (بقره/۸۷؛ نازعات/۴۰، ۴۱؛ نساء/۲۷) گردد.

هشت) اخلاق سنجه راستی‌آزمایی ایمان

خداوند در قرآن دین‌داری را عامل وحدت اجتماعی و سامان‌بخشیدن به رفتارهای جامعه معرفی می‌کند: «و همگی به رشته (دین) خدا چنگ زده و به راه‌های متفرق نروید و به یاد آرید این نعمت بزرگ خدا را که شما با هم دشمن بودید، خدا در دل‌های شما الفت و مهربانی انداخت و به لطف و نعمت خدا همه برادر دینی یکدیگر شدید و در پرتگاه آتش بودید، خدا شما را نجات داد. بدین گونه خدا آیاتش را برای (راهنمایی) شما بیان می‌کند، باشد که هدایت شوید» (آل عمران/۱۰۳). اندیشه حضور خداوند در تمامی لحظه‌های زندگی فردی و اجتماعی، قطعاً در رفتارهای فردی و اجتماعی مؤثر می‌افتد. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

از خداوندی بپرهیزید که همواره در پیشگاه او حاضرید و زمام اختیار شما به دست او و حرکات و سکناات شما در قبضه او است، اگر (اعمال و نیات خود را) پنهان کنید می‌داند و اگر آشکار سازید می‌نویسد (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۳).

در قرآن کریم، معادباوری نیز، از عوامل تنظیم اخلاق اجتماعی شمرده شده است: «وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظَاهَوْنَ» (یونس/۵۴).

قرآن کریم در آیاتی، با ذکر نشانه‌های اهل ایمان و مسلمانان، رعایت حق‌الناس و اصول

۱. هر که به فریاد برادر مسلمانش رسد تا او را از اندوه و گرفتاری و تنگنا در آورد، خدا برای او ده حسنه می‌نویسد و او را ده درجه بالا می‌برد و پاداش آزاد نمودن ده بنده را به او ارزانی می‌فرماید و ده گرفتاری بزرگ را از او دور می‌سازد و در روز رستاخیز ده شفاعت برای او آماده دارد (شیخ صدوق ۱۳۶۴، ۱۴۸).

۲. لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَآتَى السَّبِيلَ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ (بقره/۱۷۷).

اخلاقی را شاخصی برای ایمان افراد معرفی کرده است. به‌عنوان مثال امانت‌داری و وفای به عهد و پیمان (مؤمنون/۸)، اجتناب از ظلم و تعدی به اموال و حقوق مادی دیگران (ص/۲۴)، انفاق (انفال/۳)، جهاد مالی و جانی (حجرات/۱۵)، فروتنی و تواضع (فرقان/۶۳)^۱، پرهیز از دروغ‌گویی (مؤمنون/۸)، وفای به عهد و دل‌کندن از مادیات و ترحم به فقرا (بقره/۱۷۷)^۲، از خصوصیات مؤمنان شمرده شده است. درحالی‌که رعایت حقوق دیگران، پایین‌ترین درجه از اخلاق است، زیرا در اخلاق اسلامی، فراتر از رعایت عدالت، انصاف و رعایت حقوق دیگران، مهرورزی، محبت، ایثار و وفاداری و فداکاری از ارزش‌های اخلاقی است.

توصیه‌های اخلاقی خداوند در قرآن به اهل ایمان، (از جمله توصیه به انفاق (بقره/۲۵۴)^۳، وفای به عهد و قراردادهای (مائده/۱)^۴، رعایت حقوق مادی دیگران و نخوردن مال دیگری، (نساء/۲۹)^۵، عدالت و شهادت صحیح (نساء/۱۳۵)^۶، نفی از مسخره کردن دیگران، عیب‌جویی و دادن لقب‌های زشت (حجرات/۱۱)^۷، پرهیز از گمان بد، تجسس در امور دیگران، غیبت، (حجرات/۱۲)^۸ و ...، نشان از رابطه اخلاق و «دین‌داری» است. براین اساس برنامه‌ریزی برای ارتقای رشد اخلاق اجتماعی، می‌تواند با معرفی صحیح و شناساندن خصوصیات و ویژگی‌های مؤمنان و دین‌داران حقیقی باشد.

ب) آسیب‌های بیرونی و محیطی بر الگوهای رفتاری

محیط و نمودهای مختلف آن، (نظیر فرهنگ، خانواده، گروه همسالان و دوستان، آشنایان، مدرسه و نظام‌های آموزشی، قومیت‌ها و مذاهب و ...)، در فرآیند رشد اخلاقی افراد مؤثرند و براین اساس، بر الگوهای رفتاری بین‌شخصی در سطح خرد و کلان تأثیرگذارند (ابوالحسنی نیارکی ۱۳۹۸، ۹۳-۹۵).

۱. وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا

۲. لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْعَلَاءِ الْكُتُبِ وَالْيَقِينِ وَأَقَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالصَّرَاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ

۳. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمْ يَوْمٌ لَا يَبِيعُ فِيهِ وَلَا خَالَةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ

۴. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ

۵. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا

۶. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوُّوا أَوْ نَعِرْتُمْ فَاِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا

۷. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

۸. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِمَّا ظَنَّنَا مِنْ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ

یک) تأثیر جامعه و فرهنگ

در سوره نوح، تسری اعمال کافران در جامعه، به دیگران اشاره شده است (نوح/۲۶ و ۲۷). تأکید بر هجرت از محیط نامناسب (نساء/۹۷؛ عنکبوت/۵۶) و کناره گیری از جوامع شرک آلود و آلوده (مریم/۴۸-۵۰) و تأکیدات قرآنی بر اصلاح اجتماعی (اعراف/۱۴۲؛ هود/۸۸)، نمونه‌هایی از توجه سبک زندگی قرآنی به نقش جامعه در اصلاح و فساد اخلاقی-رفتاری است. جامعه از طرق گوناگونی بر رشد اخلاقی افراد مؤثر است؛ از جمله: انتقال و القای قوانین و هنجارهای اجتماعی (ارزش‌ها، آداب و رسوم)، سرمشق‌های اخلاقی در محیط، الگودهی، متقاعدسازی، الزام و اطاعت (تحمیل اجتماعی)، تعلیم و تربیت، تجارب اجتماعی، روش‌های انضباطی، تجارب فزاینده از پیامدهای محیطی، همانندسازی، مشوق‌های ارتباطی، پاداش و تنبیه، درک بین‌الذهانی (ایجاد همدلی)، مواجه شدن با تعارضات اخلاقی و اصطکاک بین خواسته‌ها و اجتماع، نقش گیری و در نظر گرفتن دیدگاه دیگران و (ابوالحسنی نیارکی ۱۳۹۷).

دو) تأثیر خانواده

دان و مان، آیزنبرگ و مورفی، وایتینگ و ادواردز و دیگران، والدین و خواهران و برادران را، به‌عنوان عوامل کلیدی در جامعه‌پذیری در رشد اجتماعی دوران کودکی معرفی کرده‌اند (کیلن ۱۳۸۹، ۸۵۴). در آیاتی از قرآن، تعصب به افکار و اعمال خانوادگی، اجداد و پدران و تأسی از ایشان، عاملی بر سوء رفتار و مشکلات اعتقادی فرزندان شمرده شده است (بقره/۱۷۰؛ یونس/۷۸؛ شعرا/۷۴؛ انبیاء/۵۳؛ اعراف/۲۸): «ما پدران خود را بر آیین و عقایدی یافتیم و از آن‌ها البته پیروی خواهیم کرد» (زخرف/۲۳). این آیه می‌تواند تأکیدی بر تأثیرپذیری فرزندان از الگوهای فکری-رفتاری والدین از طریق انتقال معیارها و ارزش‌ها و شکل دادن به مفاهیم اخلاقی کودکان و انتقال نوع قضاوت و ارزیابی اخلاقی ایشان به فرزندان باشد که اندیشمندان رشد اخلاقی نیز به نحو تجربی، به اثبات و توضیح آن پرداخته‌اند (استیپک ۱۹۹۵، ۲۳۷-۲۵۲). در آیاتی به تأثیر خلیقات خانواده و به‌ویژه پدر و مادر اشاره شده است (مریم/۲۸)؛ «که اگر از آن‌ها هر که را باقی گذاری بندگان تو را گمراه می‌کنند و فرزندى هم جز بدکار و کافر از آنان به ظهور نمی‌رسد» (نوح/۲۷). والدین از طریق پیام‌های مستقیم شفاهی، بالابردن سطح شناختی (پذیرش و درک) و عاطفی کودکان، برانگیختن مسئولیت اجتماعی، برانگیختن احساسات اولیه مثل همدلی، شرم، خجالت و احساس گناه از طریق تأیید و سرزنش، ایجاد مشوق‌ها و هدایت‌گری، اعمال

قدرت و اقتدار، شیوه‌های انضباطی، القائات و توضیحات، الگودهی عملی و بر عملکرد رفتاری فرزندان تأثیرگذارند (کیلن ۱۳۸۹، ۸۵۵-۸۵۸).

سه) هم‌نشینی بد و گروه دوستان

«رفاقت او مرا از پیروی قرآن پس از آنکه به من رسید محروم ساخت و گمراه گردانید...» (فرقان/۲۹). در سبک زندگی قرآنی، هم‌نشینی و دوستی با افراد گمراه و بی‌اخلاق، به سبب تأثیری که بر جهان‌بینی و اخلاقیات فرد می‌گذارد نهی شده است (نساء/۱۳۹، ۱۴۴؛ آل عمران/۲۸؛ مائده/۵۱؛ صافات/۵۱؛ فصلت/۲۵). محققان نیز به اهمیت گروه همسالان و دوستان بر ارزیابی‌های اخلاقی و رشد اخلاقی پرداخته‌اند. نقش گروه دوستان در رشد اخلاقی افراد، از طریق ایجاد بافتی برای کسب مهارت‌های اجتماعی، ایجاد فضای گفتگو درباره هیجانات و عواطف درونی و توانایی شناخت بهتر خود و درک دیگران و ایجاد تصورات قلبی، تجربه همکاری، تعارض و مذاکره و ... است (کیلن ۱۳۸۹، ۷۲).

چهار) نقش حکمرانی شایسته

امام علی علیه السلام در خطبه ۲۱۶ نهج‌البلاغه شرط اصلاح افراد جامعه را اصلاح والیان می‌داند و رعایت حقوق جامعه را عاملی بر برپایی عدالت در جامعه می‌خواند، امام علی علیه السلام، همیاری و همکاری مردم با والیان و حکومت را نیز، عامل تنظیم روابط اجتماعی و مانعی برای بروز آسیب‌های جمعی شمرده‌اند. براین اساس روابط دوسویه حسنه والیان و افراد جامعه و هماهنگی، همیاری و تقویت روحیه برادری، عامل برون‌رفت از آسیب‌های اجتماعی و رشد اخلاقی جامعه تلقی می‌گردد:

رعیت صلاح نپذیرد مگر آنکه والیان صلاح پذیرند و والیان به صلاح نیابند، مگر به راستی و درستی رعیت (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۱۶).

نتیجه

اخلاق اجتماعی در سبک زندگی قرآنی، علاوه بر اخلاق فردگرایانه بین‌شخصی، شامل بر اخلاق جمعی و جامعه‌نگر است. در زمینه اخلاق فردگرایانه بین‌شخصی، آیات قرآنی در باب (۱) روابط افراد عادی اجتماع همچون خانواده، شهروندان، دوستان و آشنایان و ... (۲) صاحبان مشاغل و حرفه‌ها و (۳) روابط حکمرانان (اخلاق سیاستمداران) به صورت جدولی ارائه شده است. آسیب‌شناسی به معنای رصد عوامل، موانع و زمینه‌های رشد اخلاق اجتماعی است که در این مقاله بر اساس مضامین اسلامی، به آسیب‌های سطح کلان و سطح خرد پرداخته‌ایم. آسیب‌های سطح خرد و شخصی، شامل بر موارد درونی و عوامل بیرونی

(محیطی) است. در سطح کلان، نگاه جامع‌نگر به ارزش‌های اخلاقی اجتماعی، آسیب‌های روش آموزش اخلاق، پیروی از تعصبات میان‌گروهی تغییر و مسخ ارزش‌ها، روحیه عنادی و خصمانه و تفرقه و اختلاف، بی‌قانونی، نظارت همگانی، اصلاح فرد پیش از جامعه، جزئی‌نگری و سخت‌یابی سبک زندگی و... طرح شده است. در سطح خرد نیز، دوری جامعه از مسیر خردورزی و عقلانیت، جهل و ضعف در ناحیه شناخت‌ها، بی‌توجهی به عمل و شعارهای دورن‌تهی نظیر پاک بودن دل، دنیاگرایی و ظاهرپرستی، پیروی از هوای نفس و برخی خلیقات شخصی نظیر خشونت و خودخواهی از عوامل و موانع درونی رشد اخلاق اجتماعی است. تأثیر محیط از جمله تأثیر فرهنگ جامعه، خانواده، گروه همسالان و... از عوامل محیطی است که بر رشد اخلاقی سطح خرد و فردی تأثیرگذار است. توجه به عوامل مختلف بیانگر این نکته است که سبک زندگی قرآنی، در تحلیل عوامل و موانع رشد اخلاق اجتماعی جامع‌نگر است و به عوامل مختلفی ارجاع می‌دهد و از نگاه‌های تحویلی، نظیر عقل‌گرایی صرف منزه است.

منابع

- به جز قرآن کریم و نهج البلاغه
۱. ابن مسکویه رازی. ۱۳۸۱. تهذیب الاخلاق. ترجمه علی اصغر حلبی. قم: اساطیر. چاپ اول.
 ۲. ابوالحسنی نیارکی، فرشته. ۱۳۹۷. الگوی رشد اخلاقی از دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی. مجله اخلاق و حیانی ۸ (۱۵): ۷۵-۱۰۶.
 ۳. ارزانی، حبیب‌رضا، و محمدرضا ارزانی. ۱۳۹۲. همراهی اثربخش ایمان و عمل صالح در قرآن کریم. مجله اخلاق ۳ (۹): ۱۲۱-۱۴۴.
 ۴. تیممی آمدی، عبدالواحد. بی‌تا. ترجمه تصنیف غررالحکم و دررالکلم. ترجمه مصطفی درایتی.
 ۵. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۱. مفاتیح الحیاه. قم: اسراء. چ هشتم.
 ۶. دورکیم، امیل. ۱۳۵۵. قواعد روش جامعه‌شناسی. ترجمه علی محمد کاردان. تهران: دانشگاه تهران.
 ۷. روشه، گی. ۱۳۸۶. تغییرات اجتماعی. ترجمه منصور وثوقی. تهران: نشر نی.
 ۸. طوسی، نصیرالدین. ۱۳۷۵. شرح الاشارات و التنبیها. قم: نشر البلاغه.
 ۹. _____ . ۱۳۷۷. اخلاق محتشمی. با دیباچه و تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
 ۱۰. _____ . ۱۳۸۷. اخلاق ناصری. به تصحیح و تنقیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری. تهران: خوارزمی.
 ۱۱. علامه طباطبایی، سیدمحمدحسین. ۱۳۷۴. ترجمه تفسیر المیزان. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی

- همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی. چ ۵. ۲۰ ج.
۱۲. علی‌اکبری، مهناز، احمد علیپور و مهناز درنجفی شیرازی. ۱۳۹۳. اثربخشی قصه‌گویی بر مؤلفه‌های هوش اخلاقی کودکان دختر پیش‌دبستانی در شهر اصفهان. دوفصلنامه علمی پژوهشی شناخت اجتماعی ۲ (۶): ۳۳-۴۳.
۱۳. علی‌اکبریان، مجتبی. ۱۳۹۲. بررسی اهمیت حق‌الناس در قرآن کریم. حسنا؛ فصلنامه تخصصی در تفسیر ۵ (۱۹): ۱۰۸-۱۳۴.
۱۴. غفوری، آرزو و کیوان صالحی. ۱۳۹۵. بازنمایی فرآیند شکل‌گیری دگرگونی ارزشی در افراد با محوریت زنان: مطالعه‌ای به روش نظریه برخاسته از داده‌ها. مطالعات اجتماعی-روان‌شناختی زنان ۱۴ (۴): ۱۵۷-۲۰۸.
۱۵. فرامرز قراملکی، احد. ۱۳۸۳. اخلاق حرفه‌ای. تهران: نشر مجنون.
۱۶. _____ . ۱۳۸۸. اخلاق سازمانی. تهران: سرآمد. چ ۱.
۱۷. _____ . ۱۳۹۶. درآمدی بر اخلاق حرفه‌ای. تهران: سازمان مدیریت صنعتی. چاپ ششم .
۱۸. قرائتی، محسن. ۱۳۸۳. تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن. چاپ یازدهم.
۱۹. کریمی، روح‌الله. ۱۳۹۴. حلقه‌کندوکاو اخلاقی؛ تربیت اخلاقی در برنامه فلسفه برای کودکان. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۰. کریمی، یوسف. ۱۳۹۳. نگرش و تغییر نگرش. تهران: ویرایش.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. ۱۳۸۹. اصول کافی. ترجمه شیخ محمدباقر کمره‌ای. قم: انتشارات اسوه؛ چاپ یازدهم.
۲۲. کیلن، ملانی و جودیت اسمتانا. ۱۳۸۹. رشد اخلاقی. ترجمه محمدرضا جهانگیرزاده، علیرضا شیخ شعاعی، سیدرحیم راستی تبار. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. ۱۴۰۷. الکافی. مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی محمد. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۲۴. لیپمن، متیو، آن شارپ و فردریک اسکانیان. ۱۳۹۵. فلسفه در کلاس درس. ترجمه محمد زهیر باقری نوع پرست. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۵. مجلسی، محمدباقر. ۱۴۰۳ ق. بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۶. محقق، حسین، و سعید صحابت انور. ۱۳۹۶. روابط اجتماعی و اخلاق از دیدگاه حضرت علی در نهج‌البلاغه. فصلنامه پژوهشی نهج‌البلاغه ۵ (۱۸): ۱۵-۳۱.
۲۷. محمدی، محمدحسین. ۱۳۹۸. هزار و یک حکایت اخلاقی. ۲ ج. تهران: نیلوفرانه.
۲۸. مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۸۸. انسان‌سازی در قرآن. قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۹. مطهری، مرتضی. ۱۳۸۵. مجموعه آثار. ج ۱. تهران: انتشارات صدرا. چاپ سیزدهم.
۳۰. _____ . ۱۳۷۲. مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی (۵)، جامعه و تاریخ. تهران: صدرا.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۸۹. اخلاق در قرآن. قم: انتشارات علی بن ابی‌طالب علیه السلام.

۳۲. نیبور، راینهولد. ۱۳۸۹. انسان اخلاقی و جامعه غیراخلاقی، (مطالعه‌ای در باب اخلاق، سیاست و عدالت). ترجمه رستم فلاح. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

۳۳. وثوقی، منصور و حسین اکبری. ۱۳۸۹. روندها و عوامل مؤثر بر تغییر در ارزش‌ها: یک مطالعه تطبیقی، مجله تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی ۴ (۵۹): ۹۳-۱۲۸.

۳۴. وجدانی، فاطمه. ۱۳۹۳. جایگاه یادگیری ضمنی و غیرمستقیم در آموزش اخلاق. فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌نامه اخلاق ۷ (۲۶): ۴۷-۵۸.

35. Haidt, J. (2001). The emotional dog and its rational tail: A social intuitionist approach to moral judgement. *Psychological Review*, 108, 814-834.
36. Hoffman, Martin.L. (2000), *Empathy and moral development: Implications for caring and justice*, Cambridge, England: Cambridge university press.
37. Piaget, j. (1948). *The moral judgement of the child*. Translated by Marjorie Gabain, printed in U.S.A. Free press, GLENCOE, ILLINOIS.
38. Kohlberg, L. (1984) *Essays in moral development: The psychology of moral development*, Vol. 2. New York: Harper & Row.
39. Seligman, M. E. P. & Csikszentmihalyi, M. (2000). Positive psychology: An introduction. *American psychologist*, 55, 5-14.
40. Nussbaum, M.C. (1999). *Sex and Social justice*. New York: Oxford University press.
41. Turiel, Elliot. (1985). *The development of social knowledge: Morality and convention*. Cambridge, London, New York, New Rochelle, Melbourne Sydney: Cambridge, university press, reprinted.
42. Stipek, D. (1995). The development of pride and shame in toddlers, In J.P. Tangney & K. W. Fischer (Eds.), *Self-conscious emotions* (pp. 237-252). New York: Guilford.